

و اگر اسرائیل واقعاً به ایران حمله کند...
زمزمه ها دوباره اوج گرفته اند. قوی تر از همیشه.

ونسان جوور

نوول اُبرواتور

برگردان: محمد علی اصفهانی

www.ghoghnoos.org

Vincent Jauvert که این گزارش را در ششم ژوئن از واشنگتن ارسال کرده است، در شمار سرشناس ترین روزنامه نگاران فرانسوی است که سال هاست با نشریه ی پرآوازه ی «نوول اُبرواتور» فرانسه به عنوان «گزارشگر بزرگ» کار می کند. اصطلاح «گزارشگر بزرگ» یا grand reporter در فرانسه معمولاً به بخشی از روزنامه نگاران حرفه یی و کارآموده یی گفته می شود که حوزه ی فعالیتشان به طور عمده، امور مهم جاری در صحنه ی بین المللی و نقاط پرآشوب و پرتنش جهان است.

در فاصله ی اندکی بعد از تهدید ملت ایران به وسیله ی شائول موفاز، وزیر فعلی حمل و نقل، و از وزیران قبلی دفاع اسرائیل، تلاش هایی در اسرائیل آغاز شد که این تهدید آشکار را «خودسرانه» و غیر واقعی و با هدف رقابت های درون حزبی جلوه دهد. اما در گزارش ونسان جووور می بینیم که تهدید کننده ی اصلی نه شائول موفاز، بلکه خود اهود اولمرت است که برای اولین بار تصریح می کند که اسرائیل در نقطه ی عملی کردن طرح حمله به تأسیسات اتمی ایران، و قتل عام شاید ۱۶ تا ۲۸ میلیون ایرانی (۱) و معلول و بیمار و سرطانی و ناقص الخلقه به دنیا آوردن نسل ها و نسل ها و نسل های آینده ی فرزندان ما قرار دارد.

یکی از سناریو های همیشه مطرح این بوده است که اسرائیل در صورت مشاهده ی مقاومت های جدی در برابر ایده ی حمله ی آمریکا به ایران، با حمله ی خود به ایران نیرو هایی را که در آمریکا خواهان تجاوز به ایران

هستند از بن بست بیرون بیاورد و آمریکا را تحت عنوان دفاع از موجودیت اسرائیل (در برابر پاسخ داده شده یا داده نشده توسط ایران) وارد صحنه ی جنگ کند.

و در شرایط فعلی، به نظر می رسد که این سناریو - که به طور فعال توسط دیک چینی حمایت می شود - از بقیه ی سناریو ها عملی تر و نتیجه بخش تر باشد. به خصوص بعد از حذف هیلاری کلینتون، و در نتیجه قطعی شدن نامزدی باراک اوباما از طرف حزب دموکرات آمریکا برای مقابله با مک کین در انتخابات پیش رو.

در روز های اخیر، منابع خبری یی همچون یونایتد پرس، با گزارش های خود، صحت آنچه را «فیلیپ جیرالدی» در ماه گذشته پرده از آن برداشته بود، مورد تأیید قرار داده اند:

طرح «حمله ی محدود» - منجر شونده به حملات نا محدود و همه جانبه - توسط آمریکا به «مراکز سپاه قدس» در ایران. (۲)

کودتای اخیر کارگزاران آمریکا و اسرائیل در لبنان (بخشی از جریان موسوم به جریان ۱۴ مارس) به منظور بی ثبات کردن این کشور و کشیدن پای ناتو به درگیری ها نیز به گفته ی بسیاری از ناظران، از جمله پرفسور میشل شوسودووسکی، چیزی نبود به جز قسمتی از طرح تجاوز به ایران. (۳)

طبعاً شکست این کودتا، که درست بر عکس خواست طراحانش، به ایجاد ثبات نسبی در لبنان (از جمله انتخاب ریاست جمهوری جدید) منجر شد، می تواند به هر چه وحشی تر ساختن حاکمان زخمخورده ی فعلی آمریکا و اسرائیل، و شتابزده کردنشان در «یکسره کردن کار» کمک کند.

بیم آن می رود که نحوست سه حکومت بحرانا و بحرانی آمریکا و اسرائیل و ایران، بالاخره با هم بیامیزند و پیش آید آنچه نباید پیش آید.

و این همه: در غیاب برخورد فعال - و نه مثلاً «اعلام موضع» و «محکوم کردن» و اعتراض خشک و خالی - اپوزیسیون سالمی که بر عکس «اپوزیسیون» جنگ افروز، سرنوشت خود را با حمله ی آمریکا و اسرائیل به ایران گره زده است؛ و در حالی که این دومی در کار هموار سازی راه حمله ی آمریکا و اسرائیل به ایران، کوچک ترین فرصتی را از دست نمی دهد، همه ی فرصت ها را - و هرکدامشان را به بهانه یی - یکایک سوزانیده است و می سوزاند...

۱۹ خرداد ۱۳۸۷

۸ ژوئن ۲۰۰۸

به نظر می‌رسد که اسرائیل، خودش را برای حمله به تأسیسات هسته‌ی ایران آماده می‌کند، و سفر اهود اولمرت هم به آمریکا، به خاطر کمک گرفتن و یا دستکم چراغ سبز گرفتن از آمریکا برای این حمله باشد. سه عامل جدید، باعث اوج‌گیری زمزمه‌های حمله به ایران شده‌اند:

[عامل اول]

این، نخستین بار بود که اهود اولمرت، نخست‌وزیر اسرائیل، خودش شخصاً - در هواپیمایی که او را در پنجم ژوئن به واشنگتن می‌آورد - اعلام داشت که: «ما، در نقطه‌ی متوقف کردن برنامه‌ی هسته‌ی ایران قرار داریم». اولمرت حاضر نشد که سخنش را دقیق‌تر توضیح دهد. اما جمله‌ی او که به کار برده است، صدای زنگ اولتیماتوم دارد.

[عامل دوم]

سه روز پیش، فرمانده قبلی نیروهای آمریکا در خاورمیانه، دریاسالار فالون، برای اولین بار بعد از استعفایش، حاضر به قبول یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی شد.

از دیرباز، همه انتظار این مصاحبه را می‌کشیدند. چرا که دلیل کنار رفتن او از فرماندهی نیروهای آمریکا در خاورمیانه را، مطبوعات، مخالفت او با شرکت در جنگ علیه ایران نوشته بودند.

در این گفتگو، دریاسالار فالون، نظر مطبوعات را در باره‌ی دلیل کنار رفتن خود تکذیب نکرد. چنین تکذیب نکردنی، باعث القاء این فکر می‌شود که جرج بوش، به خوبی ایده‌ی حمله به ایران به وسیله‌ی آمریکا و یا با باز گذاشتن دست اسرائیل در حمله به ایران را در سر می‌پرورانیده است، و احتمالاً همچنان در سر می‌پروراند.

[عامل سوّم]

در هفته ی گذشته، وزیر سابق امور خارجه ی آلمان، یوشکا فیشر، در مطلبی که در روزنامه ی لبنانی «دیلی استار» منتشر شد، و روزنامه ی اسرائیلی «هاآرتص» هم آن را منعکس ساخت، اعلام خطر کرد که: «به احتمال بسیار زیاد، تا پایان سال ۲۰۰۸ [یعنی در چند ماه باقی مانده از ریاست جمهوری بوش] یک نزاع نظامی [علیه ایران] آغاز خواهد شد.» فیشر، در توضیح نقطه نظر خود، به دو نکته اشاره کرد:

* نکته ی اوّل:

بر مبنای محاسبات اسرائیل، تحریم های بین المللی علیه ایران، کارآیی نخواهند داشت.

* نکته ی دوّم [که ونسان جوور آن را به صورت پر رنگ نوشته است]: حکومت اسرائیل، چنین ارزیابی می کند که باید قبل از آن که دستگاه بوش، صحنه ی سیاسی را ترک کند، به خود بجنبد. زیرا از آن پس، هر شخص دیگر و هر دستگاه دیگری در آمریکا به روی کار آید، اوضاع تا بدین حد که امروز هست، به نفع اسرائیل نخواهد بود.

بعد از ظهر امروز، یک دیپلمات برجسته و مهم غربی، ضمن تأیید همین استدلال های یوشکا فیشر، به خود من گفت:

- به نظرم، جرج بوش دیگر از این خسته شده است که به عنوان یک رئیس جمهوری «عاجز و از کارافتاده» شناخته شود. او در این تب و تاب می سوزد که ثابت کند که همچنان یک ارباب است. این همه، باعث نگرانی می شود. نه؟

تیترو لینک مقاله:

Et si Israël allait vraiment attaquer l'Iran

La rumeur est repartie. Plus insistante que jamais.

<http://globe.blogs.nouvelobs.com/archive/2008/06/06/moyen-orient.html>

۱ - اسرائیل احتمالاً ۱۶ تا ۲۸ میلیون ایرانی را خواهد کشت - گزارش دو روزنامه ی بزرگ اسرائیل:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/is-16-28m.html>

۲ - جنگ با ایران، احتمالاً نزدیک تر از آنی است که شما فکر می کنید! - فیلیپ جیرالدی

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar07/giraldi09052008.html>

۳ - تحلیل میشل شوسودوسکی از احتمال تجاوز به ایران، با نگاهی به وقایع اخیر لبنان

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar07/chossodovsky14052008.html>